



## بدترین سؤال از کودک

عقیل مصطفوی

دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه  
کارشناس ارشد مشاوره خانواده

«بابا رو بیشتر دوست داری یا ماما؟ می‌خوای چیکاره بشی؟ رشته انسانی و فنی و حرفه‌ای مال تنبلاست و...» خیلی از این سؤالات و جمله‌های کلیشه‌ای دوران کودکی، تنها ذهن و هویت کودک و نوجوان ما را در آینده دچار مشکل می‌کند.



به نظر تان بدترین سؤالی که می‌شود از یک بچه ۷-۸ ساله پرسید چیست؟! بدترین سؤال این است که از او بپرسیم؛ «وقتی بزرگ شدی، می‌خوای چه کاره شوی؟» گویا بزرگ شدن، آخر داستان و ته زندگی است که با رسیدن به آن، همه چیز تمام می‌شود و هر بچه‌ای باید از الآن به آخر زندگی‌اش فکر کند و تصمیم بگیرد.

سال اولی که با قاطعیت از برنامه‌های حرفه‌ای آینده خود حرف می‌زدند و جای چک‌وچانه در برنامه‌هایشان نگذاشته بودند، بعداً در سی‌سالگی حسرت بیشتری نسبت به تصمیمات گذشته‌شان داشته‌اند! چرا؟ چون نتوانسته بودند تجدیدنظرهای لازم را در مسیری که انتخاب کردند داشته باشند.<sup>۱</sup> بر اساس مطالعه‌ی دیگری که به‌تازگی در آمریکا درزمینه‌ی آینده‌ی مشاغل انجام‌شده، ۶۵ درصد کودکانی که امروز وارد دبستان می‌شوند درنهایت در مشاغل کاملاً جدیدی که امروز وجود ندارد، مشغول به کار خواهند شد.<sup>۲</sup> به همین دلیل است پرسیدن اینکه «می‌خواهی چه‌کاره بشی؟!» از کودکان اشتباه است، درواقع تعیین کردن یک شغل یکسان، آینده‌ی شغلی بچه‌ها را به خطر می‌اندازد؛ چراکه در حالت فعلی درکی از شغل‌های آینده وجود ندارد.

می‌دانید ایراد این سؤال در کجاست؟ این پرسش و فکر کردن به آن می‌تواند به شکل‌گیری طرز فکر ثابت درباره کار و شخصیت کودک منتهی شود؛ چراکه بچه‌ها با توجه به سن و سالشان و عدم آگاهی که نسبت به مسائل دارند، چند شغل را بیشتر نمی‌شناسند و پرسیدن چنین سؤالاتی به‌نوعی شروع ضبط هویت در کودک است.

به‌علاوه بچه‌ها معمولاً بر اساس نماد قدرت و ارزش‌گذاری در مورد آینده صحبت می‌کنند و این چیزی است که از محیط و اطرافیان به او تحمیل می‌شود، نه چیزی که استعدادش را داشته باشد. بنابراین این اشتباه، همه استعداد بچه را نادیده می‌گیرد و مجبورش می‌کند به سمت هدفی که خانواده و جامعه گفته حرکت کند.

جالب است در این زمینه تحقیقی صورت گرفته است که می‌گوید دانشجویهای

کند و از غرق شدن و گذر زمان در آن چیزی متوجه نشود، نه اینکه به خاطر تأیید و تحسین والدین و اطرافیان، شغلی انتخاب کند که بعد در آینده از آن پشیمان شود و دیگر فرصتی برای تجدیدنظر و برگشت نباشد. چنین انتخابی مانند قمار سنگینی است که فرد در آن شکست می‌خورد و فرصتی برای جبران ندارد!

نتیجه اینکه نباید از بچه‌ها چنین سؤالاتی را بپرسیم که

ده سال پیش چه کسی فکر می‌کرد که از قبل شبکه‌های اجتماعی؛ نظیر اینستاگرام، یوتیوب، فیس بوک، تلگرام، تیک‌تاک و ... صدها یا شاید هزاران شغل به وجود می‌آید که هزاران مرتبه جذاب‌تر، خلاقانه‌تر و درآمدزاتر از شغل‌های کلیشه‌ای باشد که از کودکی در ذهنمان داشتیم و آخر سر هم به آن نرسیدیم!

### بسیاری از شغل‌ها هنوز متولد نشده‌اند!

انتخاب شغل مثل پیدا کردن همسر نیست. امکان دارد شغل ایده‌آل آن بچه هنوز ابداع نشده باشد. چراکه کاروبارهای قدیمی از بین می‌روند و کاروبارهای جدید به بازار می‌آیند و می‌توان با یک ذهن باز و خلاق دکمه شروع زندگی را زد.

آنچه در انتخاب شغل باید به آن توجه شود این است که شغلی را باید انتخاب کرد که به تعبیر عامیانه فرد با آن عشق



### این سؤالات را از کودکان بپرسیم!

از آنجایی که کودکان در سال‌های اولیه زندگی خود به دنبال کسب و کشف هویت خود هستند، ما باید به آن‌ها درک بهتر خود و نقاط قوت، احساسات و علاقه‌مندی‌ها و نیازهای خود کمک کنیم تا در ادامه، دنیا را مملو از فرصت‌هایی ببینند که می‌توانند شغل ایجاد کنند، نه اینکه آن‌ها را در مسیری قطعی شده قرار دهیم که محدود است.

ما باید فرزندانمان را برای زندگی در دنیایی پیچیده و متغیر و یک زندگی توأم با یادگیری مداوم آماده کنیم و آن‌ها را تشویق کنیم کارهای مورد علاقه خود را کشف کنند، پی ببرند به چه یادگیری‌هایی علاقه دارند و چه مشکلاتی را دوست دارند حل کنند. این تحول می‌تواند با سؤالاتی شروع شود؛ نظیر «به چه چیزهایی علاقه‌مند هستی؟ چه چیز تو را خوشحال می‌کند؟ دوست داری چه کارهایی را انجام بدهی؟ در چه مواقعی

وقتی بزرگ شدی، می‌خواهی چه کاره شوی! لزومی ندارد که بچه‌ها خودشان را در قالب یک شغل تعریف کنند. یک هویت ثابت و محدود می‌تواند مسیرهای دیگر را ببندد. به جای تلاش برای محدود کردن موفقیتشان، کمک کنیم تا احتمالاتشان برای موفقیت را گسترش دهند. چه لزومی دارد خودشان را در یک شغل کلیشه‌ای تعریف کنند. آن‌ها خیلی کار می‌توانند انجام دهند.



قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أَتَتْ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ فَبَلَّتْهُ؛ جز این نیست که دل نوجوان همچون زمین میان تهی است؛ هر چه در آن افشانده شود، همان را می‌پذیرد.<sup>۳</sup> بی‌شک هرآن چه را در زمین کشت زار فرزندان بکاریم، در آینده‌ی نزدیک درو خواهیم کرد.



#### برای مطالعه بیشتر:

- دوباره فکر کن، ترجمه گروه نشر نوین، انتشارات نوین، تهران ۱۴۰۱.
- تطابق: چرا موفقیت همیشه از شکست شروع می‌شود؟، ترجمه فرزاد حسنی، انتشارات شادن پژوهاک، تهران ۱۳۹۴.

احساس می‌کنی موفق شده‌ای؟ دوست داری چطور با دیگران کار یا بازی کنی؟ چه چیزهایی را زودتر یاد می‌گیری؟ دوست داری درباره چه چیزهایی بیشتر بدانی؟ چه چیزهایی برایت اهمیت دارند؟ و...»

بنابراین به جای مطرح کردن چنین سؤال آسیب‌زایی، می‌توان مهارت‌هایی همچون حل مسئله، سواد رسانه، هوش هیجانی و توان سازگاری در کودکان را پرورش داد. از این رو بهتر است مشکلات دنیای واقعی را متناسب با سن دانش‌آموزان با آن‌ها مطرح کنیم (حتی به شکل بازی) و آن‌ها را ترغیب کنیم با آنچه در مدرسه یا خانه یاد گرفتند، آن مسئله را حل کنند. در آخر نیز نباید در امر تعلیم و تربیت از این نکته غافل شد که: «إِنَّمَا

#### پی‌نوشت

۱. دوباره فکر کن، آدام گرانت، گروه ترجمه نشر نوین، تهران، ۱۴۰۱، ص ۶۵.
۲. تطابق: چرا موفقیت همیشه از شکست شروع می‌شود؟، ترجمه فرزاد حسنی، انتشارات شادن پژوهاک، تهران، ۱۳۹۴، ص ۲۹.
۳. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، انتشارات دارالحدیث، قم، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۹.